

نباید اجازه دهیم

جنایت کمپ ترک اعتیاد لنگرود را سفیدشویی کنند!

امیرجواهری لنگرودی



در ادامه‌ی آنچه در لنگرود می‌گذرد! بیشتر برای شما دوستان پیگیر خبر، از اعلان عزای عمومی روز یکشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۲ در لنگرود نوشتیم.

در خبرها آمده است: این عزای عمومی به فرمان نماینده‌ی ولی فقیه در استان و استاندار گیلان که با صدور پیامی مشترک در پی وقوع حادثه دلخراش آتش‌سوزی در لنگرود، یکشنبه را در این شهرستان عزای عمومی اعلام کردند، است.

خوب این اعلان عزا در شهر، که برای سوختن جان‌های به جان رسیده و تنها بنا شده بود، هیچ پاسخی از طرف مردم دریافت نکرد... چرا؟ مردم دنبال پیگیری و بازشناسی عوامل این آتش‌سوزی و دادرسی ابعاد این جنایتند نه اعلام عزای عمومی که هر روزه در این سرزمین عزای عمومی‌ست.

نمایش عزای عمومی دولتی و حکومتی چه دردی از مردمی که با اعتماد به مرکزی که با نصب تابلوی: کمپ ترک اعتیاد، با نام «گام اول رهایی» ۳۲ نفر را به جای "رهایی" به کام مرگی فجیع می‌کشد، مرکز درمانی که می‌باید درد مردم را فرو بکاهد، قلب مردم را ریش می‌کند؛ چگونه عزا به درمانش می‌نشیند و زخم را دوا می‌کند. این چه نمایش شوت پُر کنی است؟!

در خبرها است، در کل بازار لنگرود بر سر درب یک دکان هم، هیچ واکنشی دیده نمی‌شود. شهرداری سر فلکه شهر پارچه سیاهی بست، کومه را سیاه کردند، کاربست عزا عمومی پروپاگاندای خودشانی است و نوعی گشاد دستی در برابر اظهارات رئیس مجلس قالیباف که اظهار تأسف کرد و محسنی ازهای که به رئیس کل دادگستری استان گیلان دستور داد با حضور در محل علت حادثه را بررسی کند. همه‌ی این مجموعه پروپاگاندای خودشان است برای نوعی گشاد دستی در برابر حضور وزیر کشور، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی گیلان و فرماندار و شهرداری و عوامل زیر و درشت سپاهی، بسیجی و دیگر کارگزاران و همه‌ی دست اندرکاران شهری و جماعت بادنجان دور قاب چین که اینگونه مواقع زودتر از صاحبان عزا سیاه می‌پوشند و خود را سراسر ماتم زده نشان می‌دهند. اما دریغ از مسئولیت‌پذیری به هنگام این جماعت فرصت‌طلب که هم با انداختن چفیه فلسطین به گردن می‌خواهند بگویند در ماتم مردم غزه‌اند و هم در ماتم به آتش کشیده شدن ۳۲ جانی که هدف اولی آن‌ها شدن از دام اعتیاد بوده است.

در ادامه‌ی پیگیری‌ام از حدّت این جنایت «کمپ ترک اعتیاد لنگرود» این خبرها را دریافت داشتم، جانباختگان این آتش‌سوزی از شهرها و روستاهای گوناگون گیلان نظیر لنگرود، کومه کولاک محله، سلمان، بالا رود پشت، اطاقور، پایکیاده، مریدان، ناصرکیاده، چاف، بالا رود پشت و پائین رود پشت، رانکوه املش، اشکورات رحیم آباد، چافجیر رودسر و چند منطقه‌ی دور و نزدیک دیگر هستند. از همین رو بجاست که چنین واکنش عظیم مردمی را شاهدیم. این اسکاندال بسیار بزرگی است که به این راحتی نمی‌توانند جمع کنند.

در لنگرود سی و دو (۳۲) انسانی که برای بازگشت به زندگی مبارزه می‌کردند، و دنبال پاک شدن و رهایی خود بودند، این به اصطلاح مرکز درمانی در تاریکی پشت درب‌های قفل زده، تمامی پناه جویانش، زنده زنده سوختند و دود شدند با سوختن آنان چندین شهر و روستا نیز سوختند.

در ایران «تراژدی مرگ» هر روزه بسان زندگی روزمره عمل می‌کند. دختران ما را با ضرب و شتم، کشت ارشاد به گما می‌کشاند و بار دیگر با حجاب بان‌ها در خیابان و مترو به گما می‌فرستند و می‌کشند. جوان‌ها را به هر بهانه به دار می‌کشند و اعدام را بیشتر اجرا می‌کنند. معترضان را در خیابان به گلوله می‌بندند. زندانی را به کشتن خود وا می‌دارند. خلاصه اینکه آن سطح از فجایعی که در ایران برای مردم عادی و روزمره جلوه داده می‌شود، مانند آتشسوزی کمپ ترک اعتیاد در لنگرود و سوختن و نابودی ۳۲ جان جوان بیمار که برای درمان داوطلب شده بودند، در بسیاری از نقاط جهان می‌تواند شوک ملی ایجاد کند و به تغییرات بنیادین در سیاست‌گذاری و حتی سیاست‌گذاران منجر شود. در این جا اما حتی رئیس یا کارمند و مسئول اداره‌ی بهزیستی شهرستان یا استان تاکنون پاسخگو نبودند و بازخواست و استعفایی در کار نیست. نام و مشخصات و سابقه‌ی صاحب و مسئول کمپ ترک اعتیاد را مخفی نگهداشته‌اند و فضا را مانند دیگر موارد امنیتی و مانع اطلاع رسانی شفاف رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران مستقل شده‌اند. از دیگر سو کرخت‌شدگی جامعه و عادی‌سازی شدن رخداد فجایع برای مردم، از خود فجایع، فاجعه‌آمیزترند. خاصه آنجا که پای نمایش دولتی و حکومتی به میان می‌آید، مردم عادی خود را پس می‌کشند، چرا که هیچ اعتمادی به این نمایشات ندارند و آن را مفید حال خود نمی‌بینند!

در مقابل نمایش حکومتی و دولتی؛ این خود مردمند که در همایش و جمع خودجوشان با گلباران کردن و افروختن شمع و شعر خوانی، به تبلیغات حکومتی بی‌اعتنایی کرده و واکنش خود را نشان دادند.

باید گفت: در نمایش دولتی مردم خاموشند و کار ویژه‌ای از مردم ساخته نیست. همه‌ی امکانات گردهم‌آیی و فرصت حضور جمعی در انحصار آتش بیاران حکومت است. حتی پارک بازی کودکان را کنترل می‌کنند و مهمانی‌ها را در خانه و نشستن در رستوران‌ها... همه جا را پوشش می‌دهند. پس نمی‌توان از مردم انتقاد کرد و متوقع بود همایشی عظیم و خودجوش برگزار کنند و یا اعتراض کنند. کمتر راهی برای دادخواهی جنایات باقی مانده است.

اما واکنش عمومی دختران و جوانان، مادران و پدران، ورزشکاران شهر لنگرود در همصدایی با خانواده‌هایی که عزیزان خود را در این آتشسوزی از دست دادند، نشان‌دهنده‌ی داغداری و عزای عمومی مردم است... مردم در رشت و شهرهای اطراف با استفاده از تنها امکانات موجود یعنی شبکه‌های اجتماعی و در فضای مجازی با مردم داغدار لنگرود و خانواده‌های سوگوار جوانان درگذشته در فاجعه‌ی آتشسوزی کمپ ترک اعتیاد، همدردی خود را اعلام

کردند. در یک نمونه پیام جوانانی از یک کمپ ترک اعتیاد در شهرستان قرچک ورامین جالب توجه است که با طلب آموزش برای درگذشتگان و در همدردی با مردم لنگرود می‌گویند: «این سی و دو (۳۲) نفر رفته بودند که مثل من و شما زندگی را شروع کنند، ولی برای همیشه زندگی‌شان تمام شد. از خدا می‌خواهیم هیچ همدردمون چه کارتون خواب و چه آن آقایی که داره در بهترین وضعیت مصرف می‌کند، درد نکشند. برای مادران، پدران، همسران و فرزندان این عزیزان طلب صبر می‌کنیم. ما همگی به بچه‌های لنگرود و به بچه‌های گیلان، تسلیت می‌گوییم. تسلیت ما را بپذیرید!»!

با صراحت اعلام می‌دارم: فاجعه‌ی آتشسوزی کمپ ترک اعتیاد، با فروریختن گلوله‌های آتش از سقف و پشت درب قفل شده، مرکز درمانی، بیمارستان یا زندان ترک اعتیاد کننده لنگرود رفتند. این ماجرا فی‌الغالب اسکاندال بزرگی برای جامعه‌ی شهری ما و کل گیلان است.

در پی این آتش سوزی سی و دو (۳۲) نفر کشته و بیش از هفده (۱۷) نفر با سوختگی‌های عمیق در بیمارستان بستری هستند. صورت جنایت بوقوع پیوسته روشنه؛ مسئولین این مرکزپس از آنکه هرشب به بیماران قرص‌های قوی آرامبخش می‌دادند، مرکز درمانی را پس از قفل کردن، - بدل به زندانی می‌ساختند- بدون هیچ نگهبان و محافظی، ترک می‌کردند و بیماران امکان خروج از مرکز ترک اعتیاد را به دلیل قفل بودن درها و انسداد پنجره‌ها بامیله‌های آهنی در وضعیت افروخته شدن آتش به هیچ وجه نداشتند و متأسفانه اکثرشان در میان آتش‌ها نابود شدند. مقصر اصلی در این فاجعه مسئولان مرکز بودند که به هنگام شب هیچ مأموری را داخل مرکز نگذاشته و رعایت مسائل ایمنی و اطفاءحریق را نکرده بودند. این فاجعه بار دیگر ماهیت به غایت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد که برای جان شهروندان هیچ اهمیتی قائل نیست و در چنان فساد غوطه‌ور شده که برای سود بیشتر چشمش را به روی مسائل مهم و واجب ایمنی می‌بندد و به عوامل خودشانی اجازه می‌دهد با رانت‌خواری و انحصار، امتیاز همه‌ی مراکز به اصطلاح درمان اعتیاد را بدون هیچ صلاحیتی در اختیار داشته باشند... باز هم خواهیم نوشت...

سه شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۲ برابر با ۰۷ نوامبر ۲۰۲۳

andishe.gbg@hotmail.com